

گفت‌وگوی مکتوب دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و مدیر مسئول روزنامه «شرق»

کدام مسیر بسته است؟

گفت‌وگوئی مکتوب مدیرمسئول روزنامه شرق و دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

گفت‌وگوی مکتوب مدیرمسئول روزنامه شرق و دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی به مرحله خوبی رسیده است؛ به جایی که شاید بتوان از دهلیزهای این تعامل آسیب‌شناسی مطلوبی برای راهی که رفته‌ایم و راهی که باید در کنار هم و برای ایران پشت سر بگذاریم ارائه بدهد. این گفت‌وگوها از سوی روزنامه شرق صرفاً برای همین منتشر می‌شود که صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی کشور بتوانند از آن بهره ببرند و مسیریایی که امروز نقش بزرگ ناامیدی را بر گروه بزرگی از شهروندان مسئولی ساخته‌اند به راهکارهای بزرگ سعادت اجتماعی تبدیل کنند. فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی هر یک از طرفین این گفت‌وکو، ما شادمانیم که به سهم خود بر مدار تعامل و گفت‌وگو می‌دمیم. بر این باوریم که این اتفاق به یادگار می‌ماند و قطعا نقش خود را در ترویج گفت‌وکو در میان شهروندان ایفا خواهد کرد. همنشینی دبیرکل حزب مؤتلفه با مدیرمسئول روزنامه شرق در سخن، چندماهی می‌شود که ادامه دارد و ما با ز به رسم همیشه در چند ماه گذشته از همه صاحب‌نظران و فعالان عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌خواهیم که ما را در تداوم این گفت‌وگوها و با ارائه نظرات مختلف یاری رسانند. بی شک چرخش اندیشه و ارائه ایده‌های مختلف کارآمدتر و به شکل مولدتری در مسیر تحرک توسعه حرکت خواهد کرد. شهروندان گرامی نیز می‌توانند از دهلیزهای این تبادل اندیشه به ضرورت‌های تأثیرگذارتری برای زندگی بهتر دست یابند. باشد تا همیشه پنجره شرق با توان بیشتری رو به سوی گفت‌وکو و تعامل ملی باز شود.



مسکن به قیمت‌های سرسام‌آور، این نظر من است. خوشحال خواهم شد که شما نظرات خود را شفاف و بدون متهم‌کردن این و آن به صراحت مکتوب فرمایید.

این نظرات در راستای حذف شما نیست بلکه می‌پرسد که اصولا جریان اصلاحات موردنظر شما چیست؟ و با انقلاب اسلامی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی و اصل ولایت فقیه چه نسبتی دارد و چرا فاصله دارد و چرا غرب از این اصلاحات و اصلاح‌طلبان مستقیم و غیرمستقیم حمایت می‌کند؟

شما بفرمایید چرا در روزنامه شرق جو غالب با نکات منفی است که به‌شدت مطرح می‌شوند. به طور مثال در روزنامه شرق ۱۴۰۱۰۲۸ سرمقاله (اروپای گرم و ایران سرد) است. در مقاله (چرا دانشگاه!) ایران امروز با انبوهی از مشکلات روبه‌رو است! و منفی‌گویی نسبت به دانشگاهیان در آن موج می‌زند.

مقاله دیگر در (رنج‌های بی‌شمار کشاورزان)، (چرا عراق با واژه‌های جعلی بازی می‌کند)، (از بحران غذا تا تئوری توطئه)، (ناترازی انرژی و اختلال شدید در اینترنت کشور)، (تنگدستی در بودجه معلولین) دولت کاری برای معلولان نکرد. (نان خالی ثمره تخصیص بودجه دولت به معلولان)، (شهرسازی آینده)، عناوین درباره آلودگی هوا (تبعات پنهان‌کاری در مقابله با آلودگی هوا) و بالاخره در صفحه آخر (ضرورت بررسی همه ادعاهای زندانیان) از زندانیان اغتشاش‌های فتنه ۱۴۰۱ حمایت کرده است. در این شماره ویژه‌نامه آلودگی هوا نیز همین منفی‌بافی را در بر دارد. تنها اشاره مثبت، خبر رزمایش نیروی دریایی سپاه است. شما محاسبه کرده‌اید که خواننده روزنامه شرق پس از مطالعه این‌همه منفی‌بافی و سیاه‌نمایی چه احساسی به او دمی‌خواهد داد؟ قبول دارید که یکی از برنامه‌های دشمنان بدسیرت ایران اسلامی ایجاد روحیه بدبینی و ناامیدی در بین مردم ماست؟ آیا این سیاست مطبوعات را صحیح می‌دانید؟ به چه دلیل؟ نقد سازنده و ارائه راهکار چاره‌ساز غیر از منفی‌گویی است؟

در صفحه فرهنگی همین شماره -گزیده‌ای از کتاب عصیان یوزف روت است که درواقع علیه زندمگان و دفاع مقدس است؛ اگرچه درباره جنگ جهانی اول در اروپاست. مطلب دیگر معرفی کتاب شوراها و دموکراسی از پایین است. که نظرات ساخت طبقاتی مارکسیستی حزب توده را مطرح کرده است. ضمن معرفی کتب حزب توده گامکسج و پرویز پویان و بیژن جزنی و چپ‌زاده‌های سال‌های اخیر و نظریه مارکس در کنترل فرایند تولید. جناب آقای رحمانیان؛ این واکاوی یک شماره روزنامه شرق توسط شخص بنده است. این صفحه فرهنگی است که به جای تبلیغ نظرات جریان اصلاح‌طلب و ترویج فرهنگ و تمدن درخشان ایران قبل و بعد از اسلام، فرهنگ غرب و چپ را تبلیغ می‌کند و در مقاله‌ای دیگر ایران را زمانی بالغ می‌داند که پیمان وستفالی غرب را مبنای نگاه سیاسی خود کند.

لطفا پاسخ همین نطردهی مرا به‌عنوان یک شهروند بدهید و به‌جای اینکه بگویید جریان‌های متفاوت با تفکر شما چه می‌کنند به تثبیت و اثبات جریان خودتان بپردازید. شرح دهید که اصلاحات و اصلاح‌طلبی چه می‌گوید و چه می‌خواهد و در عملکردش چرا مورد حمایت غرب و عناصر راست‌گرای غربی و چپ غربی و چپ‌گرایی است؟ و چرا؟ متشکر خواهم شد.

شما سه پرسش را مطرح کرده‌اید؟

۱- آیا تجربه قدرت اجرایی یکدست موفق است؟ اگر خودتان آن را ناموفق می‌دانید بفرمایید چرا دولت بازرگان و دولت اصلاحات دوم خرداد و دولت اصلاح‌طلبان اعتدالی، یکدست از جریان موسوم به اصلاحات و لیبرال‌ها، استفاده کرده و دولت‌هایشان حذف‌های فراوان انجامی، و جریانی انجام داده‌اند؟ در نشریه شما در اول سال دولت آقای محمد خاتمی، من اسامی بالای ۸۰۰ مدیر را که به جرم اینکه پیام دوم خرداد را نفهمیده‌اند و حذف شده‌اند با جایگزین جناحی و جریانی آنها را نوشته‌ام. بقیه را نوشتم؛ والا جریان حذف تا چند هزار مدیر ادامه یافت.

بفرمایید در مجلس سوم و ششم چرا یکدست عمل کردند؟ شما در نشریه شرق و کارکنان آن یکدست هستید؟ و ربط‌خورده منع ربط می‌کند؟ برعکس دولت شهید رجایی و شهید باهنر که دو مؤتلفه‌ای بودند و دولت آیت‌الله مهدوی از نیروهای گوناگونی تشکیل شده بود.

البته هر دولتی در چپنیش نیروهای اولیه خود، معاونان و مدیران مطابق با سیاست و پسند آن دولت را که با آن همراهی و همکاری دارند، به کار دعوت می‌کند. و این امری طبیعی است که دولت نمی‌تواند هیئت دولت را از عناصری که با یکدیگر تضاد و اختلاف بازر فکری و تفکری و جریانی دارند، تشکیل دهد. مهم استفاده دولت از نیروهای شایسته و خدمت با سلیقه‌های گوناگون در اداره امور جامعه است؛ چون در نظام مردم‌سالاری اسلامی و جمهوری اسلامی مردم پایه اصلی حکومت و کشور و مقاومت در برابر دشمن‌ها و عامل پیشرفت و رشد هستند؛ همان‌طوری که فتنه ۸۸ و انقلاب رنگی غربی و فتنه ۱۴۰۱ با عدم همراهی مردم و ملت با آنها و حضور مردم در ۹ دی و سایر حضورها خنثی شده است.

آنچه مضر است (دولت باندي) است. اصلاح‌طلب و اصولگرا هم اگر دولت باندي تشکیل دهند، ضرر کرده و می‌کنند. دولت باندي یعنی به‌جای عناصر شایسته و کارآمد، عناصر نابلد و ناکارآمد را که از باند و جریان حاکم هستند، به کارها می‌گمارد و نتیجه هم شکست و مفوریت مردم است. همان‌طورکه الان مسئولان دولت دوم خرداد کارشان به جایی رسیده که به گفته آقای خاتمی در بیانیه اخیرش به بن‌بست رسیده‌اند. لذا استفاده از نیروهای متخصص ولی متضاد با جریان و دولت مسئول امکان ندارد و نمی‌شود که در مسئولیت اصلی به کار گرفته شوند. صراحتا بگویم که شهید حاج قاسم سلیمانی از آقای احمد غلامی و برخی از کادرهای شرقی نمی‌توانست در برنامه‌های اصلی خود بهره بگیرد و آقای دکتر طریف نمی‌توانند در دولت آیت‌الله رئیسی در رأس مذاکرات برجام قرار گیرند؛ اما از مشورت‌ها می‌شود استفاده کرد.

پرسش دوم شما اشکال اساسی در طرح دارد. اصلاحات و اصلاح امور، مشکلی ندارد. اصلاح‌گری یک جریان سیاسی با تفکر و عملکرد این سال‌ها با عنوان اصلاحات و اصلاح‌گری با اصلاحات به مفهوم واقعی تفاوت دارد. این جریان فقط خود را قبول ندارد، همه را متهم می‌کند و از همه طلبکاری می‌نماید؛ درحالی‌که کارنامه‌اش حذف جریان‌های دیگر و حتی حذف جریان اصیل انقلاب اسلامی است؛ مانند کوشش برای جانداختن پیش‌نویس غرب‌زده قانون اساسی که مجلس خیرنگان قانون اساسی آن را قبول نکرد.

و هنوز در روزنامه شرق آن را بهتر از قانون اساسی با رای بالای ملت و تنفیذ امام خمینی می‌دانند یا اصرار بر تشکیل مجلس مؤسسان یا کار برای انحلال مجلس خبرگان در اثر اصل ولایت فقیه و مسائلی که در مجلس سوم و مجلس ششم گذشت و حمایت بخشی از این جریان از فتنه‌های ۸۷ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و اخیرا فتنه ۱۴۰۱ و مخالفت با ادامه دفع‌شدن مقصد پس از فتح خرمشهر و نامه‌های تند مهندس بازرگان به امام خمینی و سایر موارد. راه پیش‌قدم‌شدن این است که شما جریان اصلاحات را در نشریه شرق به نظرسنجی و اظهارنظر همه سلیقه‌ها بگذارید و نظر همه را چاپ کنید. بعد از دیگران هم بخواهید که جریان خود را به نقد مردمی بگذارند. در پاسخ به سؤال سوم راه برای استفاده از همه نیروها برای توسعه و پیشرفت باز است. آنها می‌توانند طرح‌های خود را در نشریات و رسانه‌های متعلق به جریان خود مطرح کنند و به‌جای تقابل سیاسی و متهم‌کردن‌ها و ایجاد فضای سیاه‌نمایی و منفی و ناامیدی و تبلیغات منفی از هر حادثه نشان دهند که می‌خواهند در پیشرفت و توسعه کشور عزیزمان ایران و در جهت اهداف ارزشمند انقلاب اسلامی و ارزش‌های الهی و ارزش‌های انسانی، همراهی صمیمانه کنند، قطعا بی‌پاسخ نخواهد ماند.

بار دیگر از پاسخ نامه شما متشکرم و از چاپ نامه‌های بنده و خودتان در روزنامه شرق هم متشکرم. امید که در کام دوم نظام جمهوری اسلامی ولایتی همه با هم برای تمدن نوین اسلامی، ایجاد جامعه نمونه اسلامی و دولت به معنای کلمه کریمه اسلامی کوشا باشیم.

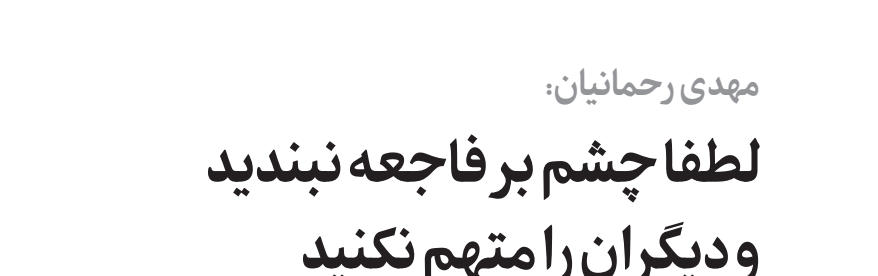
با دعای خیر

دکتر اسدالله بادامچیان

بهمن ۱۴۰۱



گفت‌وگوی مکتوب مدیرمسئول روزنامه شرق و دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی به مرحله خوبی رسیده است؛ به جایی که شاید بتوان از دهلیزهای این تعامل آسیب‌شناسی مطلوبی برای راهی که رفته‌ایم و راهی که باید در کنار هم و برای ایران پشت سر بگذاریم ارائه بدهد. این گفت‌وگوها از سوی روزنامه شرق صرفاً برای همین منتشر می‌شود که صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی کشور بتوانند از آن بهره ببرند و مسیریایی که امروز نقش بزرگ ناامیدی را بر گروه بزرگی از شهروندان مسئولی ساخته‌اند به راهکارهای بزرگ سعادت اجتماعی تبدیل کنند. فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی هر یک از طرفین این گفت‌وکو، ما شادمانیم که به سهم خود بر مدار تعامل و گفت‌وگو می‌دمیم. بر این باوریم که این اتفاق به یادگار می‌ماند و قطعا نقش خود را در ترویج گفت‌وکو در میان شهروندان ایفا خواهد کرد. همنشینی دبیرکل حزب مؤتلفه با مدیرمسئول روزنامه شرق در سخن، چندماهی می‌شود که ادامه دارد و ما با بز به رسم همیشه در چند ماه گذشته از همه صاحب‌نظران و فعالان عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌خواهیم که ما را در تداوم این گفت‌وگوها و با ارائه نظرات مختلف یاری رسانند. بی شک چرخش اندیشه و ارائه ایده‌های مختلف کارآمدتر و به شکل مولدتری در مسیر تحرک توسعه حرکت خواهد کرد. شهروندان گرامی نیز می‌توانند از دهلیزهای این تبادل اندیشه به ضرورت‌های تأثیرگذارتری برای زندگی بهتر دست یابند. باشد تا همیشه پنجره شرق با توان بیشتری رو به سوی گفت‌وکو و تعامل ملی باز شود.



جناب آقای بادامچیان

دبیر کل محترم حزب مؤتلفه اسلامی

بعد از سلام و آرزوی توفیق روزافزون و سلامت برای شما، به منظور جلوگیری از اطاله کلام، هم از مقدمه کم می‌کنم و هم فقط به بخشی از آنچه نوشته‌اید می‌پردازم. هرچند مواردی که در نامه شما بود، این قدر هست که صفحه‌های بسیاری برای روشن‌شدن موضوع به آن اختصاص داده شود، اما از نکته‌های حاشیه‌ای نوشته‌تان می‌گذرم و فقط به اصل می‌پردازم.

در همان سطور ابتدای نامه و در پاراگراف سوم نوشته‌اید از همان آغاز می‌دانستید که ماجرای اعتراضات ۱۴۰۱ فتنه است و برای طراحی آن، کشورهای استکباری دو سال وقت گذاشته‌اند و عوامل خودفروخته هم آن را اجرا کرده‌اند. این حکم قطعی در همان ابتدای کار، این انتظار را ایجاد می‌کند که:

(الف) حتما سندن روشن، قطعی و بی‌اشکالی در اختیار دارید که چنین گفته‌اید، ولی تا انتهای نامه، حتی یک سطر برای این دانسته حکم قطعی خود به‌عنوان دلیل ارائه نکرده‌اید و این پرسش پیش می‌آید که خواننده نامه شما، به چه استنادی و براساس کدام دلایل روشن، باید چنین حکمی را بپذیرد؟

(ب) در جایی از نامه از عبارت مسابقه استفاده کرده‌اید، اجازه بدهید این عبارت را از شما وام بگیرم و بگویم وقتی با چنین حکم قطعی‌ای گفت‌وکو را آغاز می‌کنید، به واقع گفت‌وکو را آغاز نکرده‌اید بلکه آن را به پایان رسانده‌اید. این نوع سخن‌گفتن مانند آن است که مسابقه را از خط پایان شروع کنید و درحالی‌که شما آن سوی خط پایان ایستاده‌اید، هنوز سوت شروع مسابقه هم به صدا درنیامده است. بهتر آن است که به خط شروع مسابقه بازگردید تا با هم مسابقه را آغاز کنیم.

(ج) همین‌جا اشاره کنم که حتما شما هم بر این عقیده‌اید که در مقام گفت‌وکو، هیچ‌کدام از طرفین، در جایگاه قاضی ننشسته‌اند و قرار نیست حکم صادر کنند، بلکه قطعا دو طرف بر این عقیده‌اند که امکان دارد دیگری درست بگوید و خود، اشتباه کرده باشد. پس لطفا در جایگاه هم‌تراز بنشینیم و قضاوت را به خواننده گفت‌وگویمان بسپاریم.

(د) اما مهم‌تر از اینها اینکه وقتی در همین آغاز سخن و بدون ارائه حتی یک دلیل مستند و مشخص، از عبارت فتنه، خودفروخته، عوامل استعمار، فریب‌خورده و… استفاده می‌کنید و چند خط جلوتر می‌نویسید قصد ارائه تحلیل شفاف دارید و نباید شما را به انگ‌زدن متهم کنند، این سؤال پیش می‌آید که این تحلیل شفاف که می‌گویید کجاست؟ چون تا پایان نامه حتی یک دلیل برای شفاف‌شدن احکامی که صادر کرده‌اید، ارائه نشده و اگر به دیگران بگویید فریب‌خورده و خودفروخته و دلیل ارائه نکنید، اگر اینها انگ نیست، پس در فرهنگ لغات شما باید چنین گفته‌هایی را با چه کلمه‌ای تعریف کرد؟

(دوم) جناب بادامچیان عزیز، در ادامه نوشته‌اید که قصد مؤتلفه اسلامی توسعه فضای سیاسی و تعامل ضابطه‌مند است. قطعا این قصد شریفی است، ولی بسیار خوب بود که روشن می‌کردید چگونه می‌شود بدون ارائه دلیل روشن و مستند، به دیگران خودفروخته و فریب‌خورده لقب داد و بعد از توسعه فضای سیاسی و تعامل ضابطه‌مند سخن گفت؟ آیا شرط ضابطه‌مندبودن این نیست که بدون دلیل و مدرک مستند به کسی تهمت نزنیم؟

(سوم) اما در ادامه و بعد از تعارفاتی که شاید ضروری نبود، باز از کسوت طرف گفت‌وکو خارج شدید و دوباره ردای قضاوت به تن کرده و حکم صادر کرده‌اید که جریان اصلاحات باقی‌مانده جریان غرب‌گرا و غرب‌زده است. جناب بادامچیان عزیز، می‌گویید شما را متهم می‌کنند که به دیگران انگ می‌زنید. من چنین نمی‌گویم اما شما هم رعایت کنید و کسوت گفت‌وکو را از تن به در نکنید و با صدور احکام غرب‌زده و غرب‌گرا برای دیگران، بر سر راه گفت‌وکو مانع ایجاد نکنید و بگذارید با ارائه سخنان مستدل، خواننده این سطور را داور قرار دهید و نه اینکه خود داور شوید.

(چهارم) در ادامه به نکته‌های بسیار کلیدی اشاره کرده‌ید که می‌تواند شاقول این گفت‌وکو باشد. نوشته‌اید که اصلاح‌طلبان شعارهای مردم‌پسند را طرح می‌کنند و این را اشکال اصلاح‌طلبان دانسته‌اید. این دقیقا اشکال چیست؟ اگر مردم شاقول‌اند، این خودشان هستند که باید قضاوت کنند، آیا غیر از این است؟ ما همیشه این سخن حضرت امام برایمان راهنماست که «میزان رای ملت است» و غیر از این هم نیست. به همین دلیل هم شاقولی غیر از مردم را قبول نداریم. آیا شما به شاقولی غیر از مردم باور دارید؟

(پنجم) بعد از بالاترین قیمت ارز و مسکن سخنی می‌گویید و اصلاح‌طلبان را مقصر آن می‌دانید. خدا را شکر ۱۷ سال است که اصلاح‌طلبان دستشان از قدرت کوتاه است. نگویید آقای روحانی اصلاح‌طلب بوده که برای اینکه بدانیم آیا جناب روحانی اصلاح‌طلب بوده یا خیر، کافی است به لیست کاندیداهای مجلس ششم رجوع کنیم تا ببینیم ایشان در لیست چه کسانی بودند. وقتی می‌گوییم بهتر است به مستندات دلالت دهیم یعنی این. اما اگر بگویید اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۹۲ از روحانی حمایت کردند، کاملا درست است، چراکه کاندیداهای اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شده بودند و دلسوزان کشور مایل نبودند دوباره آن فاجعه معجزه هزاره سوم در کسوتی دیگر تکرار شده و کشور نابود شود. عقل حکم می‌کرد که جلوی یک فاجعه دوباره گرفته شود و شکر که چنین شد. درباره قیمت ارز هم بهتر است چیزی نگویم. همین الان که این سطور را می‌نویسم، به همت دولت انقلابی و یکدست که دیگر هیچ مانعی در داخل کشور بر سر راهش نیست، قیمت دلار از مرز ۵۰ هزار تومان گذشت، اما لطفا نگویید این گذشتن از مرز ۵۰ هزار تومان تقصیر اصلاح‌طلبانی است که ۱۷ سال است دیگر نقشی در قدرت ندارند. ششم) می‌فرمایید که غرب از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کند. واقعا چنین است؟ جناب بادامچیان عزیز، دوباره از شما خواستارم که اگر مایلید دیگران شما را به انگ‌زدن متهم نکنند، قطعا لازم است از سخنان غیرمستند برهیز کنید؛ از این‌رو بهتر است وقتی می‌گویید غرب از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کند، مستنداتش را هم ارائه دهید.

(هفتم) و اما روزنامه شرق را متهم به منفی‌نگری کرده‌اید. دوست گرامی، روزنامه شرق، بولتن روابط عمومی یک اداره یا حتی وزارتخانه نیست. روزنامه دولت هم نیست. دولت به اندازه کافی هم بولتن در اختیار دارد، هم روزنامه و هم رسانه ملی که بر سر مردم می‌آورد. لطفا کمی انصاف داشته باشید. لطفا.

(نهم) جناب بادامچیان، به انتهای نامه که رسیدید، بی‌هیج اغماضی، همه اعتراضات را فتنه نامیده‌اید. واقعا این‌گونه می‌نگرید؟ می‌شود یک اعتراض را نشان دهید که از نظر شما فتنه نباشد؟ حقیقتا برای من بسیار آموزنده خواهد بود که بدانم شما کدام کنش اجتماعی را در مقابل آنچه بر سر مردم می‌آید، فتنه نمی‌دانید. امیدوارم در نامه بعدی، یک نمونه از اعتراضاتی را که از نظر شما فتنه نیست، مشخص بفرمایید.

(دهم) و اما در انتها گفته‌اید راه برای استفاده از همه نیروها برای توسعه و پیشرفت باز است. در جواب این گفته شما فقط به همین اشاره می‌کنم. روزنامه دولت هم نیست. دولت به اندازه کافی به آمارهایی که همین نهادهای دولتی ارائه می‌کنند نگاه کنید تا ببینید چه تعداد از نیروهای متخصص کشور در همه حوزه‌ها از کشورمان درحال مهاجرت که نه، درحال فرار هستند. یازدهم) در سراسر نامه شما، تذکرات مکرری بود، اجازه دهید من هم یک تذکر به شما بدهم. لطفا چشم بر فاجعه نبندید و دیگران را متهم نکنید. ۱۸ ماه است که حاکمیت یکدست شده است. من که جرئت نمی‌کنم با این روندی که قطار پیشرفت مورد اشاره رئیس دولت دارد به آنچه سال آینده بر سر مردم خواهد آمد فکر کنم. شما مکرر می‌گویید باید در چارچوب قانون عمل کرد، این که ایدئال ماست، برای همین است که وقتی دولت برای طرح مولدسازی، مصونیت قضائی و تعلیق قانون به مدت دو سال را در آیین‌نامه می‌آورد و قانون را زیر پا می‌گذارد، از اقبحت کشور هراسناک می‌شویم. شما اگر از این دست‌فرمان نمی‌ترسید و زیرگذاختن رسمی قانون توسط حاکمیت یکدست برائتان ترسناک نیست، مرا که بسیار می‌ترساند.